

Confrontation of traditional and Islamic international law with international human rights in the international development of asylum law

Abstract

Refugee rights are an important issue in international law in the present century. Riots and internal, regional and global crises have forced millions to flee their homeland. Therefore, the rights of refugees, along with other legal issues, have been raised in international law and treaties and treaties have been adopted to resolve the refugee crisis. The formation of refugee rights began in 1951 with the passage of the 1951 Convention on the Status of Refugees after the outbreak of World War II and the influx of large numbers of people from war-torn countries. In this regard, we are witnessing the development of the rights of this human group in the legal system of Islamic countries. Refugee rights have developed and evolved as a result of the confrontation and influence of the rights of Islamic countries and international human rights on traditional international law. Of course, sometimes the conflict of national interests with the principles of international law has prevented the proper implementation of human rights standards in relation to refugees. At the same time, the results of this article indicate that the international human rights system has been able to have a positive and transformative effect on traditional international law regarding the observance and development of refugee rights, and Islamic countries have developed important documents from The Islamic Declaration of Human Rights, for example, seeks to establish, develop, and protect the rights of foreigners, especially refugees, which has undoubtedly had an impact on the international human rights system.

Keywords: Refugee, asylum seeker, government, human rights

تقابل حقوق بین الملل سنتی و اسلامی با حقوق بین الملل بشر در توسعه بین المللی حقوق پناهندگی

عبادالله عباسی^۱

سیدباقر میرعباسی^۲

مریم مرادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

چکیده

از عمده ترین مسائل که در تاریخ زندگی جوامع و حقوق بین الملل مطرح گردیده است رویداد پناهندگی و مهاجرت می باشد. وقوع حوادثی از قبیل جنگ، بلایایی طبیعی، فقر و عدم اشتغال باعث آواره شدن میلیون ها انسان و مهاجرت از طریق پناه‌اندگی غیر قانونی گردیده است. در این راستا حقوق بین الملل پناهندگان حائز اهمیت قرار گرفته است. و برای حل بحران مشکلات پناهندگان معاهدات و عهدنامه‌هایی به تصویب رسیده است. آغاز شکل‌گیری حقوق پناهندگان، پس از وقوع جنگ جهانی دوم و پناهنده شدن عده کثیری از مردم کشورهای درگیر جنگ، با تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۵۱ می باشد. در این خصوص شاهد فراهم کردن حقوق این دسته افراد در نظام حقوقی در کشورهای در حال توسعه می باشیم. حقوق پناهندگان در اثر تناقض حقوق در جوامع اسلامی بر حقوق در جوامع بین المللی نسبت به روش سنتی توسعه و تکامل پیدا کرده است. البته گاهی تعارض منافع ملی حقوق بین الملل در کشورهای مرتبط بازدارنده اجرای درست حقوق بشری در ارتباط با پناهندگان شده است. در عین حال نتیجه حاصل شده در این مقاله حکایت از آن دارد که حقوق جوامع بشری اثرات مطلوب و تحول‌آفرینی در برابر حقوق سنتی وضع کرده است. با ایجاد اسناد مهمی توسط کشورهای اسلامی تلاش در ایجاد حقوق و حمایت از بیگانگان به ویژه پناهندگان دارد که بی شک اثر پذیری آن حاصل از نظام بین الملل برگرفته شده است.

کلمات کلیدی: پناهنده، پناهنده پذیر، دولت متبوع، حقوق بشر، پناهندگان

گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران abassi272@yahoo.com^۱

گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. استاد و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mirabbasi@ut.ac.ir^۲

گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. moradimaryam@yahoo.com^۳

مقدمه

آغاز قرن بیستم تاکنون اسناد بین المللی زیادی در ارتباط با حمایت از بشر و گروه های انسانی مانند بیگانگان و اقلیت ها، همراه گسترش حقوق بین الملل تهیه کرده و در جهت گسترش حقوق انسان ها قدم های بلندی برداشته شده در عرصه جهانی شاهد رشد چشمگیر ایجاد، اجرای حقوق مهاجران بر اساس تغییرات و تحولات حقوق بین الملل بشر بوده ایم. در گذشته، کمتر دولتی وجود داشت که یک فرد بیگانه را به عنوان یک شخصیت واجد حقوق بپذیرد و یک خارجی دارای حقوق اجتماعی باشد. در این میان پیشرفت، در روابط بین الملل و افزایش مناسبات بین ملت ها که خود موجبات برقراری ارتباط اشخاص با دولت های خارجی را فراهم نموده است، دولت ها ناچار به پیرش حداقل حقوق برای اتباع خارجی گردیدند. با قبول حداقل حقوق برای اتباع خارجی در تمامی کشورها موارد حمایت دیگری را قانونگذاران داخلی در راستای جذابیت ملی، منافع حقوقی در قالب موازین قانونی حکومتی تدوین کرده اند. و کشورها در یک الزام نانوشته به صورت های مختلفی در راستای حمایت از بیگانگان گام بر می دارند. بنابراین، اگر در دوران کنونی هر دولت بر خود فرض می داند قاعده هایی راجع به روابط با بیگانگان را در سرزمین خود اعمال کند، این پیشرفت حاصل دگرگونی هایی است که در قرن های اخیر بر مبنای نیاز خود کشورها از یک سو و الزام ناشی از رشد افکار عمومی و تغییر در فهم بشر درباره جامعه و حکومت ایجاد شده است و بر اثر آن در ساخت دولت ها و روابط آنها با یکدیگر و به طور کلی در رعایت حداقل های حقوق بشری، در جامعه بین المللی، رخ داده است. شایان ذکر است که میزان واگذاری این حقوق به بیگانگان در کشورهای مختلف با توجه به وضعیت های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی اقلیمی و جغرافیایی کشورها با یکدیگر متفاوت می باشد. علاوه بر آن اعلامیه جهانی حقوق بشر، اسناد بین المللی دیگری مانند میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق بشر، اسناد بین المللی دیگری مانند میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و چندین سند بین المللی دیگر، مبنای حمایت از بیگانگان را مورد شناسایی و تأیید قرار داده و کشورها خود را مقید و متعهد به اجرای آنها می دانند. اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر فی نفسه جنبه الزام آور برای کشورها ندارد، لیکن جایگاه رفیع و اعتبار جهانی این اعلامیه، موجب شده که کشورها نوعی الزام نانوشته در رعایت موازین این اعلامیه پیدا کنند. بنابراین، اگر در دوران کنونی هر دولت بر خود فرض می داند قاعده هایی راجع به روابط با بیگانگان را در سرزمین خود اعمال کند، این پیشرفت حاصل دگرگونی هایی است که در قرن های اخیر بر مبنای نیاز خود کشورها از یک سو و الزام ناشی از رشد افکار عمومی و تغییر در فهم بشر درباره جامعه و حکومت ایجاد شده است و بر اثر آن در ساخت دولت ها و روابط آنها با یکدیگر و در کل حداقل حقوق مهاجران در مجامع بین المللی، رخ داده است. شایان ذکر است که اثرگذاری این حقوق در جوامع مختلف با توجه به وضعیت های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی اقلیمی و جغرافیایی کشورها با یکدیگر متفاوت می باشد. علاوه بر آن اعلامیه جهانی حقوق بشر، اسناد بین المللی دیگری مانند میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و چندین سند بین المللی دیگر، مبنای حمایت از بیگانگان را مورد شناسایی و تأیید قرار داده و کشورها خود را مقید و متعهد به اجرای آنها می دانند. جایگاه رفیع و اعتبار جهانی جهانی حقوق بشر موجب شده که کشورها نوعی الزام نانوشته در رعایت موازین این اعلامیه پیدا کنند.

پژوهش حاضر، تلاشی است در پاسخ به سوال که از یک سوق‌نابین حقوق بین الملل و حقوق سنتی و از سوی دیگر حقوق کشورهای اسلامی، در زمینه دفاع حقوق بیگانگان از جمله در محدود کردن اصل حق حاکمیت دولت‌ها در برخورد با بیگانگان، بر یگدیگر و بصورتی متقابل، تاثیرگذار بوده اند؟

۱. مفهوم شناسی پناهنده

برابر ماده یک کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوبه ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱، پناهنده به کسی اطلاق می‌شود که به دلیل هراس از آزار و اذیت به علت دارا بودن عقاید سیاسی، نژاد و مذهب خاصی، در خارج از محل سکونت خود زندگی می‌کند. کنوانسیون مذکور از کشورهای متعاقد خواسته که پناهندگان را به سرزمین اصلی یعنی جایی که زندگی می‌کرده اند و یا عضویت در یک گروه اجتماعی و عقاید سیاسی در خطر می‌باشند، در منشور ملل متحد براساس ائین نامه مربوط به پناهندگان در ایرزان مصوب ۱۳۴۲/۲/۲۵، در تعریف پناهنده این گونه بیان شده که "پناهنده فردی است که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی یا عضویت در گروه خاص اجتماعی از ترس جان و شکنجه خود و افراد خانواده اش که تحت تکفل او می‌باشند به کشور ایران پناهنده شود".

حمایت از پناهندگان در نهایت مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، دینی و فرهنگ حاکم بر ملت‌ها و جامعه بین الملل است. یکی از وظایف مهم سازمان‌های بین المللی مرتبط با پناهندگان، این است که حمایت از پناهندگان را نه تنها به عنوان یک وظیفه قانونی بلکه به عنوان یک اصل پذیرفته شده جهانی و تعهد معاهده‌ای به کشورها، متذکر شوند.

بیگانگان علاوه بر پناهندگان شامل گروه‌های دیگری از جمله آوارگان و مهاجران نیز می‌شود که هرکدام دارای مفاهیم، تعاریف و ویژگی‌های خاص خود می‌باشند. در واقع مهاجر فردی می‌باشد که در حال نقل مکان از یک جامعه به جامعه بهتر با توجه به شرایط خود می‌باشد. که دلیل اصلی اش محدودیت و یا نبود شرایط دلخواه رشد اقتصادی و اجتماعی است. وجه مشترک پناهنده و مهاجر در این است که هر دو بنا بر دلایلی از مسکن و مأوای خویش به جای دیگری در خارج از کشور و برای مدتی طولانی و نامعلوم، کوچ می‌کنند. کلمه آواره یک نام جمعی و همه گیر است، می‌توان در رابطه با هر فردی به کار برد که بنا بر هر علتی که باشد، مجبور گردیده است خانه و محل زندگی اش را ترک کند و در وضعیت بی خانمانی و در بدری کامل بسر می‌برد. علت‌های که موجب ترک فرد از کشور تابعه می‌شود، میتواند در اثر پیامدهایی همچون بلایایی طبیعی همچون سیل و خشکسالی و زلزله و جنگ و فقر باشد. در واقع برای افراد می‌توان کلمه آواره را در نظر گرفت.

در اسلام نیز با توجه به سوره توبه در آیه ششم که ذکر می‌کند اگر یکی از همکاران شما از شما پناه خواستند او را نجات بده و اور به محلی امن برسان که بتواند کلام خدا را بشنود. در واقع پناهندگی در آیین اسلام این گونه در گذشته مورد قبول قرار گرفته است. در واقع اگرچه اصول پناهندگی از دیدگاه بشری مورد قبول می‌باشد اما در تعاریف آن مغیرت و حود دارد (هندی،

۱۳۴۸ : ۴۸۷) و حتی از واژه‌ای پناهندگی استفاده نمی‌شود و به جای آن از عباراتی دیگر مورد استفاده قرار گرفته است

۲. اقدامات جدید در حمایت از پناهندگان در عرصه بین الملل

بیشتر تلاش‌های بین المللی در زمینه تدوین حقوق پناهندگی در دهه‌های اخیر معطوف به قانونگذاری ملی، توسعه رویه بین المللی یعنی قطعنامه‌های سازمان ملل و استنتاجات کمیته‌های پناهندگان سازمان ملل است که در ژنو سوئیس واقع شده است. این

دفتر در ۱۴ اسامبر سال ۱۹۵۰ برای محافظت و حمایت از پناهندگان و یاری رساندن در امر بازگشت یا اسکان مجدد آنها تأسیس شد. این سازمان به عنوان جایگزین سازمان بین‌المللی پناهندگان، و پیشتر از آن اداره کل نجات و توانبخشی سازمان ملل، به وجود آمد. تاکنون دو بار جایزه صلح نوبل در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۸۱ به این سازمان اعطا شده‌است. وظیفه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل رهبری و هماهنگ نمودن فعالیت‌های بین‌المللی برای محافظت و رفع مشکلات پناهندگان در سراسر جهان می‌باشد. هدف اولیه سازمان حراست از حقوق و سلامتی پناهندگان است. این سازمان در تلاش است تا از حق مهاجران در کشورهای دیگر، بازگشت داوطلبانه آنها به کشور خود، اسکان مجدد آنها در کشور ثالث و غیره مطابق قوانین بین‌المللی اطمینان حاصل کند.

این کمیساریا در سال ۲۰۰۳ میلادی، که یک سیاست ارزیابی جدید، خصوص حقوق افراد اتخاذ کرد، با پذیرش سیاست ارزیابی جدید مبنی بر حقوق بشر محور، نهاد فوق‌الذکر در سال ۲۰۰۳، اندکی از انتقادات وارده بر آن مبنی بر کم‌کاری در حق پناهندگان کاسته شد. اولین گام در سیاست جدید این بود که به جای پناهندگان به عنوان دارندگان حق محسوب گردند (Klabbers, 2011: ۴۲۰). بعلاوه سازمان‌های غیردولتی در سطح بین‌الملل مانند سازمان‌های عفو بین‌الملل در طول سالیان اخیر برای تحقق شفافیت بیشتر دولت‌ها در زمینه حقوق پناهندگی در صدد ارتباطات بالاتر حقوق بشر از جمله مهاجران برآمده اند به همین منظور از سوی سازمان مزبور، سه رویکرد پیشنهاد شده است:

الف) نخستین رویکرد که در اجلاس سال ۱۹۹۷ کمیته اجرایی پناهندگان سازمان ملل متحد مطرح گردیده است، از دولت‌ها خواست تا با تعهداتشان بر مبنای ماده ۳۵ کنوانسیون ۱۹۵۱ منطبق شوند و همچنین اطلاعاتی که باید بوسیله کمیساریای عالی پناهندگان در اختیار شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل قرار بگیرد را تأمین کنند.

ب) دومین رویکردش این بود که از کمیته اجرایی پناهجویان سازمان ملل خواست تا دوباره اصول بازگشت اختیاری به وطن پناهجویان و پناهندگان را تأیید کرده و تأکید بیشتری به ضرورت استقلال و بی‌طرفی در تصمیم‌گیری راجع به بازگشت به وطن پناهندگان، که می‌بایستی مبتنی بر ارزیابی اوضاع حقوق مهاجران در محل بازگرداندن پناهجویان و پناهندگان باشد، قرار دهد. رویکرد دوم همچنین این توصیه را به همراه داشت که یک راه حل بی‌طرفانه و مستقل بایستی برای نظارت بر انطباق عملکرد دولت‌ها با اصول بازگشت اختیاری برقرار شود.

ج) در روش سوم مرکز عفو جهانی بین‌الملل [این سازمان که یک سازمانی غیردولتی می‌باشد هدش این است که بتواند با پژوهش در حیطه حقوق مهاجران در کلیه کشورها از پایمال شدن حق انسان‌ها جلوگیری کرده و در نهایت خواستار برقراری عدالت در مورد افرادی که حقوق ایشان به هر نحوی پایمال گردیده می‌باشد] با اشاره به این واقعیت که کمیته اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد پیش از این از کمیسیونر عالی پناهندگان ملل متحد خواستار است تا توصیه‌های لازم در رابطه با موارد نقض حقوق بشر هم در کشورهای مبداء و هم در کشورهای میزبان پناهجویان و پناهندگان، تحقیق شده است (Bayefsky, 2006, p104).

۳. حمایت از مهاجران پناهجو در سازمان ملل با عنوان حقوق بین‌الملل افراد و اثرات آن بر حقوق سنتی بین‌الملل حقوق بین‌المللی بشر تحت یک نظام توانسته است اثراتی در ارتباط با حقوق مهاجران پناهجو برجا بگذارد برخی از این آثار به قرار زیر می‌باشند:

- ۱- بعضی از مراجع حقوق مهاجران در دیوان حقوق بین الملل در کشورهای اروپایی در نظریات و نظریات خود با حمایت کاملی که از افراد بر پایه حقوق بین الملل بشر، قادرند حقوق افراد بیگانه از جمله پناهیجویان
- ۲- نشان دهند، از جمله می توان به پرونده مطرح شده علیه دولت لیتوانی در مجمع حقوق بشر اروپایی مشهور به قضیه جوزاس سیدآبراس [Juozas Sidabras] اشاره کرد. این پرونده اولین قضیه ای بود که دیوان اروپایی حقوق بشر فرصت یافت تا تأثیرات محدودیت های قانونی بر حق دسترسی به کار را بررسی کند. دادگاه یادشده، در این قضیه از دولت لیتوانی خواسته است تا قانون کار خود را در خصوص ممنوعیت کار کارکنان امنیتی رژیم سابق تغییر دهد و به این ترتیب، این یکی از الگوهای شایان ذکر در نظام حقوقی کار محسوب می شود. در این مجمع حقوق بشر اروپایی در کشور لیتوانی را ملزم ساخت که قوانین کار خود را بر این اساس تغییر دهد (<http://hudoc.echr.coe.int/fre?i=001-23517>).
- ۳- مطابق با مصوب ۱۹۶۶ قوانین بین المللی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اگرچه، به صراحت به منع تبعیض در رابطه با بیگانگان در خصوص حق کار اشاره نمی کند، با این حال با توجه بیاناتی که مجمع حقوق بین المللی (بند ماده ۲۸ حقوق بین المللی سیاسی) به عمل آورده است بیانگر نوعی تحول و گسترش در بحث حقوق پناهیجویان است. در حقیقت مواردی که مجمع حقوق بین المللی بشر بر این میثاق ارائه کرده با گسترش حق مهاجران غیرتابعه است. به عنوان نمونه، کمیته در برخی از تفاسیر عمومی صادره به حق اشتغال کارگران مهاجر توجه نشان داده است.
- ۴- آرای صادره از از طریق روال قضایی به صورت بین المللی از جمله مجمع دواوری عاوی در کشورهای ایران و آمریکا نیز در رشد و توسعه حقوق بیگانگان اقداماتی انجام داده و برعکس حقوق سنتی در جوامع بین الملل که رد مهاجران را بخشی از حقوق کشوری که پذیرای آنان می باشد می دانسته، توانسته اثرات موثر در گسترش حقوق پناهندگان بردارد. در برخی از آرای دیوان یادشده، از جمله در پرونده کنت ییگر [Kenneth P. Yeager v] در سال ۱۹۷۸، دیوان داوری ایران و آمریکا، (<https://jsumundi.com/en/document/decision/en-kenneth-p-yeager-v-the-islamic-republic-of-iran-award-award-no-324-10199-1-monday-2nd-november-1987>) اخراج اتباع کشور آمریکا از ایران، از نظر دیوان داوری به این دلیل که شرایط خروج آنها عادی نبوده و به نوعی اخراج براساس فشار دولت ایران بوده را بر خلاف مقررات بین المللی دانسته است (قاسمی شوب، ۱۳۹۳: ۲۴۰).
- ۵- درخصوص اخراج بیگانگان نیز شاهد تحول و گسترش حقوق پناهندگان هستیم. در واقع، اگرچه به طور سنتی، اخراج حق مسلم دولت هاست ولی در ماده ۳ علیه شکنجه و دیگر رفتارهای غیر انسانی یا تحقیر کننده مصوب سال ۱۹۸۴، مشاهده می گردد که این کنوانسیون، دولت ها را ملزم می کند تا در خصوص اخراج، وضعیت فرد بیگانه را در نظر بگیرند. که ماده ۳ این سازمان ایجاب نموده است که باید دلایل متقنی در مورد تحت شکنجه قرار گرفتن شخص وجود داشته باشد هیچ کشور عضوی نباید به اخراج، برگرداندن یا استرداد وی مبادرت ورزد". بر اساس کنوانسیون وضعیت پناهندگی (۱۹۵۱)، افرادی که در جستجوی رفاه اقتصادی بالاتر به کشوری دیگر پناهنده می شوند مشمول حمایت های خاص کنوانسیون نخواهند (طجرلو، ۱۳۹۳: ۲۱۳). از سال ۱۹۹۴ که اولین گزارش نقض ماده ۳ کنوانسیون توسط کمیته منع شکنجه صادر شد این کمیته گزارش های متعددی صادر نموده که موجب شده بسیاری از کشورهای عضو رویه های مربوط به اخراج بیگانگان را اصلاح کنند.
- موارد فوق نمونه هایی از رشد و توسعه حقوق بیگانگان به ویژه پناهندگان در پرتو تغییرات حقوق مهاجران در سطح بین الملل است.

۴. دفاع از پناهجویان در حقوق اسلامی بین المللی

در اسلام برای فرد پناهجو، حقوقی مدنظر قرار گرفته شده است. حقوق این افراد شامل:

الف) حقوق پناهجویان در حالت عمومی شامل موارد زیر می باشد:

- ۱- اجازه اقامت که نیز به حق دارا بدون محل زندگی و آزادی بیان و گردشگری می باشد
- ۲- آزادی و امنیت برای خود فرد و خانواده او در کل کشور تابعه
- ۳- حق داراشدن از خدمات اجتماعی و زندگی در سطح جامعه
- ۴- آزادی عقیده و رفتار مذهبی، آزادی اندیشه و بیان، آزادی آموزش و آزادی تشکیل اجتماعات (البته به شرطی که محل نظم و امنیت عمومی نباشد).
- ۵- مهاجران غیر اسلامی در کشورهای اسلامی واجب است از حق شهروندی و برخوردارباشند و بر دولت کشورهای اسلامی الزام اسن که در مراجعه کننده جواب مثبت اعلام نمایند و پیمانی مبنی بر تابعیت در کشورهای اسلامی اعطا نمایند. براساس ماده ۱۲ قوانین حقوق بشر در جوامع اسلامی هر شخصی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت ظلم قرار گرفتن می تواند به کشور دیگری پناهنده شود و برآن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد."

ب) حقوق پناهجویان از جمله اقتصادی و اجتماعی شامل:

- ۱- حقوق مالک بودن و امنیت مالی : وظیفه دولت اسلامی تأمین امنیت جانی و مالی پناهندگان است. شایان ذکر است در ماده هفده برطبق اعلام حقوق بشر در سطح جهانی، که یکی از حقوق اولیه بر شمرده شده است.
 - ۲- حق اشتغال و آزادی انتخاب شغل که در ماده ۱۳ اعلان شده از طرف شورای اسلامی حقوق بشر ذکر گردیده است
- ج) امنیت از نظر حقوق قضایی: این حق پناهجویان در کشورهای اسلامی شامل امنیت شخصی، خانواده و امنیت از منظر قضایی می باشد.

۵. پناهنده و پناهندگی در اسناد بین المللی

۵-۱. شرایط تحقق عنوان پناهندگی

طبق اساسنامه کمیساریای عالی پناهجویان در موارد الف (۲) از ماده ۱ مجامع ۱۹۵۱، برای اینکه فردی از لحاظ قانونی پناهنده شناخته شود، لازم است علت قطع رابطه با کشور یا محل زندگی اش، ترس موجه از تعقیب شدن باشد و یا عضویت در دسته اجتماعی خاصی باشد، بشرط اینکه نتواند یا نخواهد از حمایت کشور متبوع خود برخوردار شود و یا در صورت نداشتن تابعیت، به علت ترس موجه نخواهد به کشور محل سکونتش بازگردد (موسی زاده و کهریزی، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

۵-۱-۱. ترس موجه

حقوقدانان «ترس موجه» را یکی از عناصر اساسی و ذاتی تعریف آزار، و بالتبع تعریف پناهنده می دانند و سازمان مربوط به امور پناهنجویان شامل موارد ترس از آزار و اذیت در معرض دیگران به عنوان عبارت کلیدی تعریف پناهنده نام می برد (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۱۹).

ترس موجه با دلایل متقن عامل اصلی در اثبات پناهندگی یک شخص، از محل سکونت یا کشور متبوع شخص است.

۵-۱-۲. فقدان حمایت از پناهنده توسط دولت متبوع خود

ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ چنین مقرر داشته است: «پناهنده به کسی اطلاق می گردد که مایل بر برخورداری می شود که برخورداری از حمایت آن کشور نیست. این مورد که به عنوان اصل حمایت جایگزین شناخته می شود، هدف اصلی این سازمان در نظام بین المللی حمایت از پناهندگان است. این اصل در قالب همین عبارات در روال قضایی کشورهای پذیرنده پناهجو مورد توجه و استفاده قرار گرفته است (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

۵-۱-۳. تحت تعقیب بودن پناهنده

یکی دیگر از ملاک های لازم در زمینه توصیف یک شخص به عنوان پناهنده تحت تعقیب بودن است. بر پایه مفاد ماده اول پناهنجویان سال ۱۹۵۱، جهات پنجگانه تعقیب مشمول تعریف ترس موجه و پناهندگی تدوین کنندگان اساسنامه کمیساریای پناهنجویان چهار جهت مندرج در اساسنامه سازمان بین المللی پناهندگان را در متن کنوانسیون اساسنامه کمیساریای عالی وارد ساختند و آنگاه که طرح کنوانسیون به کنفرانس تام الاختیار احاله شد، در آنجا به پیشنهاد نماینده دولت سوئیس جهت پنجمی که «عضویت در دسته اجتماعی به خصوص» است به آن افزوده گردید (Schabas, 2000: 35).

الف) نژاد: طبق تعریف سازمان رفع تبعیض نژاد مصوب شده در سال ۱۹۶۵، تبعیض نژادی؛ هر تمایز، اخراج، تحدید و ترجیح براساس نژاد، رنگ، شجره خانوادگی و ریشه دودمانی یا ملی که در شناسایی، دارا بودن حقوق اساسی در زمینه های مختلف به طور مساوی، اثری نافی یا زیان آور داشته باشد، می باشد (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۳۵).

ب) مذهب: به منظور از بین بردن همه اشکال تبعیض مذهبی مجمع عمومی در سال ۱۹۶۲ تصمیم به تهیه سندی بین المللی در این خصوص گرفت. طرح قراردادی فوق بر این اساس بود که اصطلاح مذهب یا اعتقاد شامل خدانشناسی، غیر خدانشناسی، و خدا نشناسی می گردد، و تأسیس یا شناسایی یک مذهب یا اعتقاد از طرف یک دولت یا جدایی مذهب از دولت، به خودی خود تبعیض مذهبی یا تبعیض براساس مذهب یا اعتقاد نمی باشد.

well-founded fear

^۲ طبق کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد، مذهب یا ملیت یا عضویت در برخی گروه های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد. در خارج از کشور محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سر میبرد و نمیتواند و یا به علت ترس نمیخواهد خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد. و در شرایطی که حتی که فاقد تابعیت است نمیتواند به کشورش باز گردد.

^۳ ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام میدارد: هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه، آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار

کند.

ج) ملیت: اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان که به تصویب رسید ملیت و نژاد را بطور مشخص و به عنوان دو دلیل از چهار دلیل حمایت از پناهندگان مورد اشاره قرار داد. البته ملیت در کنوانسیون ۱۹۵۱ تعریف نشده ولی رایج‌ترین معنای ملیت، شهروندی است که از آن رابطه حقوقی میان فرد و دولت و یا به عبارت بهتر تابعیت در مفهوم رسمی آن استنباط می‌شود (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۳۴۳).

د) عقیده سیاسی: احراز عقیده سیاسی به تحقق دو شرط موکول است اول آن که عقاید سیاسی پناهجو به اطلاع مقامات دولت متبوع رسیده باشد و یا توسط آنها آن عقیده سیاسی به پناهجو نسبت داده شده باشد و دوم آن که عقاید سیاسی پناهجو توسط دولت متبوع تحمل نشود یا مورد اغماض قرار نگیرد (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۲۴۲). البته با توجه به ابهام مفهوم عقیده سیاسی، دادگاه‌ها و کمیسیون‌های مأمور رسیدگی تشخیص موجه بودن تقاضای پناهندگی، ممکن است درباره مفاهیم آن نظرات متفاوتی اظهار نمایند (موسی زاده و کهریزی، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

و) عضویت در دسته اجتماعی بخصوص: در واقع عضو بودن در تیم‌های اجتماعی خاص که مکان‌دارا بودن از حمایت در زمان تدوین سازمان مدنظر نباشد را فراهم نماید. عمل آزارگرانه، هم نوعی شخص پناهنده با گروه اجتماعی خاص، اصل ممنوعیت تبعیض بین اشخاص برای عضویت در تیم‌های اجتماعی و سیاسی خاص توسط کشور متبوعشان اعمال شده، معیارهای شناسایی گروه‌های اجتماعی خاص می‌باشد (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

۵-۱-۴. موقتی بودن

از دیگر شرایط پناهندگی موقتی بودن آن است. اما اینکه تا چه اندازه معیار تحت تعقیب بودن به درازا می‌کشد در اسناد بین‌المللی مشخص نشده و تابع مسائل صلاح‌دیدگی است. کمیته اجرایی پناهجویان سازمان ملل متحد می‌بایست تغییری در کشور متبوع پناهنده رخ دهد که اساسی، پایدار و مؤثر باشد. معنای تغییرات اساسی تنها زمانی به عنوان مؤثر تلقی می‌شوند که مبنای ترس از تعقیب را از میان بردارند و مادامی که خطر کلی یا بی‌ثباتی در کشور متبوع پناهنده وجود داشته باشد نمی‌توان اقدام به توقف پناهندگی از سوی کشور میزبان پناهندگی کرد. حتی پس از رفع شرایط تعقیب در صورتی که دلایل مبرمی که ناشی از تعقیب قبلی برای پناهندگان به منظور استفاده از حمایت دولت متبوعشان وجود داشته باشد می‌توان همچنان خواهان حفظ وضعیت پناهندگی برای شخص معین بود (کازرونی، ۱۳۹۴، ۳۶).

۶. گسترش حقوق پناهجویان در اسناد حقوق بشر در سطح بین‌الملل

سه رویکرد در خصوص رفتار با بیگانگان وجود دارد. دیدگاه اول قائل به مساوات بین شهروندان و اتباع خارجی است. دیدگاه دوم قائل به رفتار با افراد غیرتابعه بر پایه حقوق مربوط پناهجویان در سطح داخلی است این دیدگاه از سوی کشورهای توسعه یافته ارائه شده و کشورهای در حال توسعه کمتر تمایل به آن دارند. دیدگاه سوم اعتقاد دارد که ضمن رعایت قوانین داخلی، حقوق بشر پناهجویان در نظر گرفته شود (مقتدر، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

با بررسی مسائل پناهجویان در حقوق مجامع بین‌الملل این ابهام پیش‌آید که آیا پناهندگی اصولاً یک حق است یا تکلیف؟

۱-۶. حقوق اختصا شده به پناهجویان در کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹۵۱

پناهندگان که بخشی از اتباع خارجی محاسبه می شوند در مجامع بین المللی مربوط به وضع پناهیجویان دارای حقوق از سایر اتباع خارجی می باشند. که شامل هریک از موارد زیر می باشند.

الف) ممنوعیت کشور پذیرنده از عمل متقابل: معافیت از «عمل متقابل» یک حق ممتاز است که به پناهندگان اختصاص دارد و در ماده ۷ کنوانسیون بدان پرداخته شده است. بدین معنا که پناهنده از عمل متقابل معاف است و کشور پذیرنده نمی تواند به بهانه این که دولت متبوعه شخص پناهنده با اتباعش بدرفتاری می کند، نسبت به پناهندگان آن کشور عمل متقابل انجام داده و پناهندگان را مورد اذیت و آزار قرار دهد.

ب) ممنوعیت اخراج پناهنده توسط کشور پذیرنده: بند ماده ۳۲ کنوانسیون پناهندگان تاکید دارد که پناهیجویانی که در سرزمین آنان به طور منظم می باشند اخراج نشده، و به دلایل علیه امنیت ملی مذهب، ملیت، عضویت در گروهک های اجتماعی در معرض تهدید باشند بازگردانیده نخواهند شد

ج) اقدامات استثنایی علیه پناهنده توسط کشور پذیرنده: ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۵۱، در مورد اقدامات استثنایی که ممکن است علیه شخص، مال یا منافع اتباع یک دولت معین به عمل آید مقرر داشته که دول متعاقد این اقدامات را درباره پناهنده ای که از اتباع دولت مزبور است، صرفاً به خاطر تابعیت او به عمل نخواهند آورد. دول متعاقدی که قوانین آنها مانع از اجرای اصل کلی مصرح در این ماده می گردد، در موارد مقتضی اقدام به اعطاء معافیت هایی به پناهندگان مزبور می باشد

د) رعایت حقوق مکتسبه پناهندگان در کشور پذیرنده: حقوق مکتسبه پناهندگان قابل محدودیت نیست، هرچند که در کنوانسیون نیامده باشد. ماده ۱۰ کنوانسیون نیز دو مورد از حقوق اختصاصی پناهندگان جنگ جهانی دوم در خصوص مدت اقامت آنان را برمی شمرد.

ه) رعایت اصل بازنگرداندن پناهندگان توسط کشور پذیرنده: برابر بند اول ماده ۳۳ کنوانسیون، هیچ دولت متعاقدی به هیچ نحو فرد پناهنده را به مرزهای سرزمینی که زندگی و آزادی وی به خاطر تعلق به نژاد، ملیت و عضویت در یک گروه ویژه اجتماعی یا وابستگی به یک عقیده سیاسی در خطر است، بازگشت نداده و یا اخراج نخواهد کرد. بنابراین یکی از مهم ترین حقوق پناهندگان، اصل بازنگرداندن پناهندگان به کشوری است که به دلایل گوناگون از آن کشور رانده و یا ناگزیر به ترک آن شده اند.

و) حق پناهنده در کسب تابعیت دولت پذیرنده: حق تحصیل تابعیت یکی از حقوق مسلم پناهندگان می باشد که در واقع پس از آنکه پناهنده مدتی در کشور پذیرنده سکونت نماید، ممکن است جذب آن جامعه شده و بخواهد تابعیت کشور مزبور را تحصیل کند و به این ترتیب یکی از راه های پایان دادن به وضعیت پناهندگی، کسب تابعیت خواهد بود. در همین مورد ماده ۳۴ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مقرر داشته است که: «دول متعاقد تا آنجا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان تسهیلاتی فراهم خواهند آورد و مخصوصاً کوشش خواهند کرد تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کرده و تا آنجا که ممکن است از هزینه و مخارج این امر بکاهند».

۲-۶. گسترش حقوق پناهیجویان زن و کودک و آوارگان جنگی در مدارک حقوق بشر بین مدارک حقوق بشر بین المللی

به علت آسیب پذیرتر بودن بخشی از پناهیجویان از جمله زن و کودک که چه بسا سرپرست هم ندارند، ضرورت حمایت بیشتر بین المللی را می طلبد که البته خوشبختانه این مهم هم در عملکرد دولت ها و هم در مصوبات حقوقی تا حدی جایگاهش را یافته است. پارلمان اروپا در آوریل ۱۹۸۴ ضمن قطعنامه ای، زنان را به عنوان وابستگان به یک گروه اجتماعی ویژه در ارتباط با تعریف واژه پناهنده در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو توصیف می کند و از دولت ها می خواهد که کنوانسیون یاد شده و پروتکل ۱۹۶۷ را

در این معنا نیز به کار گیرد. سازمان ملل متحد موضوعی با عنوان «استراتژی‌های پیش‌گیرانه» به تصویب گردانید که در آن عضوهای سازمان ملل خواسته شده است که نیازهای زنان پناهنده را برآورده سازند. برنامه‌های مجمع عالی سازمان ملل با انجام اقدامات ویژه در زمینه حمایت از زنان پناهنده اشاره می‌کند. از جمله می‌توان به آموزش و تخصص حرفه‌ای زنان پناهنده به منظور تأمین معیشت آنها اشاره کرد. یکی از حمایت‌های قانونی از این قشر از پناهندگان این است که هرگاه سرپرست یک خانواده مشمول حقوق پناهندگان شد افراد تحت تکفل او از جمله زن و فرزندان او نیز مشمول آن حقوق خواهند بود مگر این که دولت پناهندگی یکی از افراد را به مصلحت نداند که در این صورت حق پناهندگی به او داده نمی‌شود (عبادی، ۱۳۸۵: ۱۷).

۶-۲-۱. حقوق پناهجویان زن در کشورهای پذیرنده

مجمع سازمان ملل در امور پناهجویان^۵ به دلیل اهمیت موضوع، ابتدا خطوط راهنمای حمایت از زنان پناهنده را در ژوئیه ۱۹۹۱ به زبان فرانسه ارائه می‌دهد و در ادامه در سال ۲۰۰۸ کتاب مرجع (هندبوک) حمایت از زنان و دختران (اعم از پناهندگان) را به پنج زبان انگلیسی، فرانسوی، روسی، عربی و اسپانیایی منتشر نموده است. بر این نظر است که زنان پناهنده نسبت به مردان پناهنده در برابر اشکال مختلف سوء استفاده آسیب پذیرتر هستند. بسیاری از زنان در صورت تعقیب قانونی به فرار متوسل می‌شوند و در این جریان آنان، خویش و تبار خود را از دست می‌دهند. در این حالت آنان آن‌جور حمایت‌کننده و آن محیط‌آشنای (اجتماعی) مورد اعتماد را از دست می‌دهند. تجاوز، اختناق، خشونت فیزیکی، آزار جنسی و وادار ساختن به تن فروشی اجباری و یا سوء استفاده برای بدست آوردن مجوز قانونی، اموال و امداد غذایی، نگرانی واقعی برای یک اکثریت بزرگ زنان پناهنده است (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

۶-۲-۲. حقوق پناهجویان کودک کشورهای پذیرنده

مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۹، عهدنامه‌ای را در ۳۵ ماده درباره حقوق پناهجویان کودک در دفتر مجمع سازمان ملل متحد در امور پناهجویان^۶ به تصویب رساند که حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی و فرهنگی کودکان را شامل می‌شد و مراقبت‌های بهداشتی، درمانی، مسکن، حمایت در برابر سوء استفاده از جمله بهره‌کشی از کودکان پناهنده را دربر می‌گیرد. برابر این عهدنامه، حکومت‌ها باید حمایت از کودکان پناهنده و کمک به آنها را تضمین کنند.

یکی دیگر از مسائلی که همواره برای پناهندگان مطرح می‌گردد، تحصیلات کودکان و یا ادامه تحصیلات عالی خودشان است. ماده ۲۲ مجمع مربوط به وضعیت پناهجویان بیان می‌دارد که در مورد تحصیلات ابتدایی، دول متعاقد نسبت به پناهندگان مانند اتباع خود رفتار خواهند نمود و این بطریق اولی شامل کودکان می‌گردد.

۷. پایان وضعیت پناهندگی

یکی از شرایط پناهندگی موقتی بودن آن است. شروط پایان پناهندگی در بند (ج) ماده (۱) کنوانسیون ۱۹۵۱ آمده است این شروط شش مورد است که چهار مورد اختیاری و دو مورد غیر اختیاری است. چهار مورد اختیاری عبارت است از بازگشت داوطلبانه به کشور متبوع یا محل سکونت دائمی، تحصیل داوطلبانه تابعیت، تحصیل تابعیت قبلی که از دست داده، بازگشت پناهنده به کشور قبلی که می‌ترسیده بازگردد. دو مورد غیر اختیاری عبارت است از تغییر اوضاع و احوال در کشور قبلی و تغییر اوضاع و احوال در

^۵UNHCR

^۶UNHCR

کشوری که شخص در آن پناهنده شده است. خروج پناهندگان به دو حالت صورت می‌گیرد، حالت اول به صورت «بازگشت داوطلبانه» و حالت دوم به صورت «اخراج پناهندگان از کشور پذیرنده» می‌باشد.

الف) بازگشت داوطلبانه: بازگشت پناهندگان یکی از مسائلی است که از سال ۱۹۴۶ در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در رابطه با افرادی که از اروپای شرقی پناهنده می‌شوند، مطرح بوده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۵۳۸ خود در سال ۱۹۵۱ از دولت‌های عضو و سازمان بین‌المللی مربوطه خواست که به آن دسته از پناهندگانی که مایلند داوطلبانه به موطن اصلی خود برگردند، کمک کنند. حق بازگشت پناهندگان در قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ مورد پذیرش قرار گرفت. این قطعنامه توسط سازمان ملل متحد تصویب شده و هر ساله اجرای آن مورد تأکید قرار می‌گیرد (نظری تاج آبادی، ۱۳۶۹: ۱۴۱-۱۴۳).

ب) اخراج پناهنده: براساس ماده ۳۲ کنوانسیون ژنو مربوط به وضع پناهندگان، دولت‌های متعاقد حق اخراج پناهندگان را ندارند مگر در موارد خاص. بنابراین اصل عدم اخراج و یا بازنگرداندن پناهندگان یک اصل بین‌المللی و پذیرفته شده است، مگر در شرایط خاص که دولت پذیرنده احساس کند وجود فرد پناهنده برای امنیت کشورش خطرناک بوده و یا طبق رأی قطعی دادگاه، پناهنده محکوم به ارتکاب جرم یا جنایت مهمی شده و مضر به حال جامعه و کشورش تشخیص داده شود. اصل عدم اخراج یا بازنگرداندن پناهندگان، مبنای اصلی حمایت از پناهنده را تشکیل می‌دهد.

۸. جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت این نتایج حاصل می‌شود که نظام حقوق بین‌المللی بشر توانسته است اثرات مطلوب برجای بگذارد. از جمله حمایت کاملی که از افراد بر اساس مدارک حقوق بشر داشته و قادر است که حقوق بشر در گسترش حقوق پناهجویان نشان دهد.

کنوانسیون پناهندگی ۱۹۵۱ اولین سند بین‌المللی ایجادکننده محدودیت‌های حقوقی دولت‌ها برای اخراج بیگانگان است. در بند سوم ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۲ در زمینه برخی از جنبه‌های معضلات مربوط به پناهندگان در آفریقا، مقررات مشابهی آمده است. به طوری که دیده می‌شود، تمامی پناهجویان، پناهنده محسوب می‌شوند مگر اینکه خلاف آن اثبات شود. از این رو، آن‌ها از حمایت مقرر در ماده ۳۳ برخوردار می‌شوند، مگر آنهایی که ادعاهایشان در خصوص وضعیت پناهندگی رد شود. همانطور که بیان گردید حقوق بین‌الملل به روش سنتی برخی حمایت‌ها از بیگانگان را به عمل آورده است، مدارک بین‌المللی حقوق بشر همانند مجمع منع شکنجه، حمایت‌های جدیدی و گسترده تری از بیگانگان به عمل آورده اند. با ملاحظه موارد فوق توسعه حقوق بیگانگان در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل بشر را به خوبی در می‌یابیم.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، عید محمد؛ ۱۳۸۰، «حقوق پناهندگان در اسناد بین‌المللی»، نشریه معرفت، شماره ۴۹.
۲. زمانی، سید قاسم؛ ۱۳۹۵، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (دعای، آموزه‌ها، تفاسیر)؛ چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.
۳. طجرلو، رضا؛ (۱۳۹۳)، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر؛ تهران: انتشارات دادگستر.

۴. عبادی، شیرین؛ ۱۳۸۵، حقوق پناهندگان؛ تهران: گنج دانش.
۵. فلسفی، نصرت الله؛ ۱۳۹۵، حق بر آموزش در حقوق بین الملل و حقوق ایران؛ چاپ ۱، تهران: انتشارات جنگل.
۶. قاسمی شوب، احمدعلی؛ (۱۳۸۳)، «نگاهی به جایگاه بیگانگان در حقوق بین الملل با تاکید بر اسناد بین المللی حقوق بشر»، نشریه خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۱.
۷. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل؛ (۱۳۸۵)، بایسته های حقوق اساسی؛ چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر میزان.
۸. قدیر، محسن؛ ۱۳۷۹، «بررسی پدیده پناهندگی از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱.
۹. کازرونی، مصطفی؛ ۱۳۹۴، پناهندگی در حقوق بین الملل؛ تهران: انتشارات نگاه بین.
۱۰. کریمی، رقیه؛ ۱۳۸۹، «نگاهی به پناهندگی در فقه و حقوق بین الملل»، مجله معرفت، شماره ۱۵۴.
۱۱. کیهانلو، فاطمه؛ ۱۳۹۰، پناهندگی نظریه ها و رویه ها؛ چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۱۲. موسی زاده، ابراهیم؛ و کهریزی، رزینا؛ ۱۳۹۳، حقوق پناهندگی؛ تهران: انتشارات مجد.
۱۳. نظری تاج آبادی، حمید؛ ۱۳۶۹، بررسی جنبه های مختلف حقوقی مسأله پناهندگی؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۱۴. زیدان، عبدالکریم؛ ۱۳۹۶، احکام الذمیین و المستامنین؛ بغداد: العلوم الاسلامیه.
۱۵. متقی هندی، علی الدین؛ ۱۳۹۹، کنز العمال فی سنن القوال و الافعال؛ بیروت: دارالکتب العربیه.
۱۶. Bayefsky, Anne Fruma; Fitzpatrick, Joan M. and Helton, Arthur C; 2006, Human Rights and Refugees, Internally Displaced Persons and Migrant Workers; Essays in Memory of Joan Fitzpatrick and Arthur Helton, BRILL.
۱۷. Klabbers, Jan; Wallendahl, Asa; 2011, Research Handbook on the Law of International Organization; Edward Elgar Publishing.
۱۸. Schabas, William; 2000, Genocide in International Law: The Crimes of Crimes; Cambridge University Press.
۱۹. Singh Juss, Satvinder; Harvey, Colin; 2013, Contemporary Issues in Refugee Law; Edward Elgar Publishing.
۲۰. Schabas, William; 2000, Genocide in International Law: The Crimes of Crimes; Cambridge University Press.
۲۱. Sidabras; « second section decision as to the admissibility of », <https://hudoc.echr.coe.int>.
۲۲. Yeager, Kenneth; « Yeager, v. Iran, award », <https://jusmundi.com>.